

الگوی از یک خانواده تراز

۱ پدرانه

رابطه پدر و پسرها یک جوری است که هم صمیمیت و محبت بین‌شان جاری است و هم یک حرمتی میان آنهاست که نمی‌گذارد از یک حدی به هم نزدیک‌تر شوند. حالا تو اگر کودکی را در حالی سپری کرده باشی که پدرت به دلایل مختلفی درگیر جنگ و اتفاقات کوچک و بزرگی شده باشد آن هم دور از خانه و خانواده، گاهی رابطه‌تان می‌شود از جنس دل‌تنگی. آن وقت است که مجبور می‌شوی آن دیوار را بشکنی و به هر بهانه‌ای هم که شده خودت را برای بابالوس کنی و با او گرم‌گیری؛ شبیه یک رفیق هم‌سن و سال. امام حسین (ع) خودش آن قدر عاشق پدر بود که نام همه پسرانش را علی گذاشت. علی اکبر اما جدای یادآوری نام پدر، ظاهر و باطنش، عجیب همه را یاد رسول‌خدا می‌انداخت. برای همین دلبری‌اش برای پدر دوچندان بود. اما آن حجب و حیای پدر و پسر کار دست‌شان داده بود. شاید برای همین بود که وقتی روز عاشورا قرار شد علی اکبر به عنوان اولین نفر از بنی‌هاشم به میدان برود، تنها خواهش پدرش این بود که لااقل قبل از رفتن چند قدم پیش من راه برو. هرم میدان و تشنگی و زخم‌ها البته دوباره علی را پیش پدر کشاند؛ اما این ظاهر ماجرا بود. علی دریای شجاعت و ایمان بود. دریا با همه دریا بودنش اگرچه از رودخانه ساکت‌تر است اما باز برای آرامش لازم دارد خودش را در اقیانوس بریزد. این بار پسر آمده بود همه حجب و حیاها را کنار بگذارد و در اقیانوس وجود حسین (ع) غرق شود. می‌گویند لحظه‌ای بعد زبان در کام پدر گذاشته بود. نه برای این که بفهمد پدر هم از او تشنه‌تر است؛ نه. دریایی به اقیانوسی متصل بود که رنگ آرامش بگیرد. دوباره به میدان زد و وقتی شاهد شهادت را نوشید، پدر، آن هم چه پدری؟ امام معصوم که همه صف‌هایش بی‌نهایت است؛ در اوج محبت و مهر پدری خودش را رساند بالای سر فرزند تکه‌تکه شده‌اش. زانوهایش سست شده بودند. دشمن گفت حسین بالای سر نعش فرزندش جان داده و اگر نبود رایحه خواهرانه زینب، شاید هم همین می‌شد.

۲ خواهرانه

خواهر یک جورهایی رازدار آدم است. یک رفیق که چون از کودکی با ما بزرگ شده، غم‌ها و شادی‌هایمان را با او شریک شده‌ایم و رازهایمان را در گوشش زمزمه کرده‌ایم. رابطه آنها هم همین‌طور بود. یک پیوند عمیق و ناگسستنی که هیچ چیز نمی‌توانست آن را از بین ببرد. از همان کودکی جوری زلف‌شان به هم گره خورده بود که با دوری از هم حال‌شان بد می‌شد. مخصوصاً برای دختر که سن و سال کمتری هم داشت. اگر چند روز از برادرش دور بود بی‌تابی می‌کرد. آن قدر که مادرش هم تعجب می‌کرد از این رابطه عاطفی و نگران شده بود. یک بار از پدرش پرسید: «زینب (س) هر وقت از حسین (ع) دور است خیلی بی‌قراری می‌کند. دلیلش چیست؟» شاید این اولین بار نبود که رسول‌خدا (ص) مجبور می‌شد ماجرا را برای فاطمه (س) تعریف کند. اما این دفعه فرقی این بود که روضه را از نگاه زینب (س) می‌خواند. از نگاه خواهری که قرار است در لحظه‌های آخر به جای مادر و پدر و پدر بزرگ و برادر بزرگ‌ترش، زیر گلوئی حسین را ببوسد. شاید نمی‌داند چرا زیر گلو را باید ببوسد اما این ندانستن ساعتی بیشتر طول نخواهد کشید و وقتی بدترین آدم تاریخ بر سینه فرزند رسول خدا می‌نشیند، همه چیز برایش روشن می‌شود. شهادت هر برادری پیش چشم خواهرش، رازدارش، یار دوران کودکی‌اش، سخت‌است اما برای زینب (س) از همه سخت‌تر. یادتان که نرفته‌است آنها از کودکی چقدر بی‌قرار هم بودند. تا آنجا که حتی وقتی زینب (س) به خانه بخت رفت، سه روز بعد شوهرش سراغ حسین (ع) آمد و گفت که زینب (س) حال خوشی ندارد و چون امام می‌دانست که این ماجرا به دوری آنها از هم ربط دارد به خانه خواهر رفت تا از او دلجویی کند. البته که خواهر خواب بود و حسین (ع) برای این که نور آفتاب صورت خواهر را آزار ندهد یک ساعت دستش را بالا گرفت تا آفتاب به صورت زینب (س) نخورد. خب، البته زینب (س) هم بعدها جبران کرد. فقط درحالی که برادر سر در بدن نداشت و پیکرش زیر آفتاب مانده بود.

۳ برادرانه

مگر چه کسی را جز برادر می‌شود مثل یک کوه، پشت خودت ببینی؟ اصلاً برادر همان خودتوست که در یک بدن دیگر دارد زندگی می‌کند و هر وقت کم می‌آوری می‌شود قهرمان زندگی‌ات. حالا فکرش را بکن این برادر، امام و مولا و سرور تو و همه کسانی باشد که همزمان با تو زندگی می‌کنند بلکه همه آنها که قبل تو بوده‌اند و بعد از تو خواهند آمد. چقدر سخت است رابطه برادری را در این حال پیوند زنی با حرمت امام زمانت. کاری که عباس (ع) خوب بلد بود. آن قدر که اگر بخواهند ادب را به تصویر بکشند، جز جمال زیبای عباس (ع) را نمی‌توانند ترسیم کنند. جنگاوری تنها، ویژگی دوران جوانی‌اش نبود؛ او از کودکی مشق رزم را پیش علی آموخته بود. خیلی‌ها به یاد داشتند وقتی سواری با چهره پوشیده در صفین به میدان رفت و برق شمشیرش لرزه به تن دشمن انداخت اول همه فکر کردند خود علی (ع) به میدان آمده. اما وقتی پیش پدر برگشت همه دیدند عباس (ع) است. پرسیدند چرا نمی‌گذاری به میدان بروی. علی (ع) فرمود: «هذا ذخر الحسین» یعنی او ذخیره است برای پسر حسین در روز عاشورا. خب، روز موعود فرارسیده بود. همیشه به او گفته‌اند صبوری کن، وقت جنگ کردن تو هم می‌رسد. شاید اگر به میدان می‌رفت ورق جنگ را برمی‌گرداند. اما برادر که نه؛ مولایش به او این اجازه را نمی‌داد و او گوش به فرمان بود. عاقبت برای آوردن آب رفت. باور کنید حق برادری این نیست که تشنه بمانی چون برادرت و خانواده‌اش تشنه‌اند، ولی شرط ادب و معرفت این بود. در میانه فرات بود اما قطره‌ای از آن ننوشید. و ساعتی بعد با چشم تیرخورده و دست و پای قطع شده برای اولین بار حسین (ع) را جور دیگری صدا زد: «برادر!» برادرت را دریا! خب، لابد چون مادرش زهرا سراغش آمده بود.



شناسنامه مالکیت (برگ سبز) پراپد صبا (جی. تی ایکس) مدل ۸۲ به شماره موتور 00450774 شماره شاسی S1412282954543 شماره انتظامی ۳۵ - ۲۲۶ ب ۲۹ به نام حمید پاکپور اسکوتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت ناتالی RD125CC مدل ۱۳۹۰ به رنگ مشکی شماره انتظامی ایران ۶۲۲-۶۳۷۸۷ شماره موتور NYW31379 شماره شاسی N35***125F9010280 به مالکیت اصغر محسنی دمنه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کارخانه و برگ سبز خودرو سواری هاج یک تیبا به رنگ سفید به شماره پلاک ۱۴۵۴۷۲ ایران ۴۵ مدل ۱۳۹۵ به شماره موتور 8285546 به شماره شاسی NAS821100G1045115 به نام اعظم شیرین آبادی تکابلی با کد ملی ۳۱۹۹۷۲۸۵۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری تیبا مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید شماره انتظامی ایران ۶۷-۴۱۵۲۸۲ شماره موتور 8087418 شماره شاسی NAS811100D5743970 به مالکیت مسلم جعفری سعدآباد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

آگهی دعوت مجمع عمومی به طور فوق العاده (نوبت اول)

شرکت تعاونی مفید یاران پویا

جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مفید یاران پویا راس ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ در آدرس: خیابان آذربایجان، تقاطع نواب، برج سهیل، واحد ۲۰۴ تشکیل می‌گردد. لذا از کلیه سهامداران محترم دعوت می‌شود راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند. ضمناً مطابق آیین‌نامه تشکیل مجمع عمومی تعداد آرای و کالته هر عضو و هر شخص غیر عضو یک رای خواهد بود و اعضا متقاضی اعطای نمایندگی می‌بایست به همراه نماینده خود حداکثر یک روز قبل از تاریخ فوق در آدرس مذکور حاضر و برگه ورود به مجمع را دریافت نمایند.

دستور جلسه:

- گزارش هیات مدیره و بازرس
- طرح و تصویب صورت‌های مالی سال ۱۴۰۲ و بودجه سال جاری
- انتخاب بازرس شرکت
- تذکر: داوطلبان تصدی پست بازرس موظفند حداکثر ۵ روز پس از انتشار آگهی دعوت، فرم داوطلبی را تکمیل و به آدرس فوق تحویل نمایند.

هیات مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه انجمن علوم آناتومی دامپزشکی ایران (نوبت دوم)

بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه انجمن علوم آناتومی دامپزشکی ایران که در روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ به نشانی: تهران، خیابان آزادی، نبش خیابان دکتر قریب، دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران ساعت ۱۰ تشکیل می‌شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

- ۱- گزارش عملکرد هیات مدیره
- ۲- گزارش مالی انجمن
- ۳- انتخاب اعضای هیات مدیره و بازرس